

بازخوانی تاریخی و تحلیلی نقش پیامبر در تحول علمی زنان

حلیمه خاتون حیدری^۱ و تهذیب جابر^۲

چکیده

سیره عملی پیامبر گرامی اسلام (ص) به عنوان اسوه حسنه، نقطه عطفی در تاریخ حقوق و جایگاه زنان به شمار می‌رود. اهتمام بی‌سابقه وی در تربیت علمی زنان و اعتلای سرمایه فکری و معرفتی آنان از جلوه‌های متجددانه و انقلابی این سیره به شمار می‌رود. تساوی زن و مرد در کسب علم، وجوب طلب علم بر هر مسلمان (اعم از زن و مرد) و ضرورت حضور آگاهانه زن در عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی از جمله استراتژی‌های وی محسوب می‌شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر منابع تاریخی و حدیثی، به واکاوی این موضوع می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان از آن دارد که پیامبر با به‌کارگیری یک استراتژی چند بعدی، زمینه آموزش زنان را فراهم کرد. او نه تنها زنان را مخاطب مستقیم علم قرار داد، بلکه با ایجاد حلقه‌های آموزشی ویژه و ترغیب به پرسشگری، نقش آنان را در شکل‌دهی میراث معرفتی اسلام تثبیت کرد. این تجربه تاریخی می‌تواند الگویی روشن برای تحقق عدالت معرفتی در جوامع معاصر باشد.

کلیدواژه‌ها: سیره نبوی، تربیت علمی، زنان، آموزش، تمدن اسلامی.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.

۲. کارشناسی ارشد علوم قرآن و تفسیر، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.



مقدمه

تربیت نیروی انسانی متعهد و متخصص، اساسی‌ترین رکن توسعه پایدار در هر تمدنی است و سهم نیمی از جمعیت جامعه، یعنی زنان، در این فرآیند، غیرقابل انکار است. در جهان امروز که مسئله «توانمندسازی زنان» از طریق آموزش به یک گفتمان جهانی تبدیل شده است، بازخوانی سیره بنیادین پیامبر اکرم (ص) به عنوان معمار تمدن ناب اسلامی، می‌تواند سرمشق و الگویی بی‌بدیل ارائه دهد. ضرورت پرداختن به این موضوع این است: تشویق به دانش‌آموزی زنان، ایجاد فضای پرسشگری و مشارکت علمی برای آنان و تعیین جایگاه حقوقی و اجتماعی برای حضور فعال زنان در عرصه‌های دانش. این تحول بستر یک تحول فرهنگی عمیق را فراهم کرد. این بازخوانی نه تنها ریشه‌های تاریخی توانمندسازی زنان در تمدن اسلامی را روشن می‌کند، بلکه الگویی کاربردی برای جوامع امروزم ارائه می‌دهد که چگونه می‌توان با تغییر نگرش، مسیر پیشرفت علمی را برای نیمی از جمعیت جامعه هموار کرد.

پیش از اسلام، جامعه عربستان در دوره جاهلیت، فضایی کاملاً نامساعد برای رشد علمی زنان بود؛ چنانکه آنان را از بسیاری از حقوق اولیه، از جمله حق دانش‌آموزی محروم می‌داشتند. اگرچه پس از ظهور اسلام، تحولی شگرف رخ داد، اما ماهیت، عمق و سازوکارهای عملیاتی این تحول به‌طور کامل تبیین نشده است. ابهام در چگونگی اجرایی کردن این آموزه در بستر یک جامعه سنتی و نیز عدم احصای جامع پیامدهای اجتماعی این نهضت علمی، از جمله مسائل و خلأهای دانشی موجود در این زمینه است.

با وجود تأکیدات متعدد قرآن و سنت بر ارزش علم‌آموزی همگانی، چگونگی تبدیل این اصل نظری به یک برنامه عملیاتی موفق برای زنان در عصر پیامبر اکرم (ص) به صورت یک مسئله پژوهشی مبهم باقی مانده است. این پژوهش درصدد است تا به این پرسش اصلی پاسخ گوید که: پیامبر اکرم (ص) با چه راهبردها و تمهیدات عینی، به تربیت علمی زنان همت گماردند و این نهضت آموزشی چه تأثیراتی در ارتقای فردی و جایگاه اجتماعی آنان و نیز پیشرفت جامعه نوپای اسلامی داشت؟

پیشینه تحقیق

۱. علم‌آموزی زن از دیدگاه اسلام (نویسنده: داود الهامی): مؤلف این مقاله علم‌آموزی زن را از دیدگاه آیات و روایات پرداخته است، و برای مثال به چند دانشمند زن اشاره کرده است. و غیر از این، زمان علوی را هم بیان نموده است. من سعی نمودم که بحث فقط در زمان پیامبر اکرم (ص) مخصوص باشد و دوم اینکه چطور جلسات برگزار می‌شدند و پیامبر اکرم (ص) به چه چیزی اهمیت می‌دادند در تعلیم زنان که این تفاوت مهمی با این مقاله دارد.

۲. وضعیت زن در جاهلیت (محمد جواد واعظی): مؤلف این مقاله وضعیت زن را در جاهلیت پرداخته است و یک بخش را به تعلیم زن مخصوص کرده و در آن اشاره‌هایی به این موضوع کرده، ولی مقاله من در این موضوع گسترده‌تر است و مخصوص علم‌آموزی زنان است.

۳. درخشش زنان مسلمان در عرصه علم و فرهنگ در صدر اسلام (دکتر سهیلا جلالی): مؤلف این مقاله مطالبی درباره علم‌آموزی آورده و به چند صحابیات و زنان پیامبر اکرم (ص) هم اشاره کرده‌اند. ولی مقاله من جامع‌تر است و مصادیق غیر از زنان پیامبر اکرم (ص) هم آورده‌ام که این اشکال نشود که عادی است که زنان از پیامبر اکرم (ص) علم بیاموزند.

۴. بررسی جایگاه زنان در سیره حکومتی پیامبر اعظم (ص) (دکتر ابراهیم خراسانی پاریزی): این مقاله بررسی جایگاه زنان را پرداخته که یک بخش یک پاراگرافی مربوط به آموزش بانوان است و فقط به چند زن دانشمند نام برده است. ولی مقاله من از این جهت مخصوص آموزش بانوان است و از این مقاله گسترده‌تر است.

۵. آموزش زنان در صدر اسلام (نعمت‌الله صفری): این مقاله هم مربوط به بحث ما هست ولی با این تفاوت که خیلی کم مصادیق زنان دانشمند را در لابه‌لا آورده و جداگانه نیاورده است ولی مقاله من این مشکل را برطرف کرده است.

مفهوم‌شناسی

الف: مفهوم تربیت علمی

تربیت علمی مفهومی ترکیبی از دو واژه «تربیت» و «علم» است که برای تعیین مفهوم این ترکیب بررسی جداگانه واژه‌های «تربیت» و «علم» ضروری به نظر می‌رسد.

معنای تربیت: «تربیت» از ریشه «ربو» در لغت به معنای آموختن، آگاهانیدن، کسی را چیزی آموختن، آموزانیدن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳). اما در اصطلاح در کتاب فلسفه تعلیم و تربیت آمده: «شکوفاسازی استعدادهای فطری و جهت‌دهی انسان به سوی تحقق خویش‌شن خویشتن» است (شریعتی، بی‌تا، ص. ۱۲۳). اندیشمندان معانی متفاوتی را ذکر کرده‌اند که از آن‌ها دو معنای عمده ذکر شده است: یکی تربیت تکوینی یعنی «پرورش و هدایت عمومی تمام موجودات توسط خداوند از طریق قوانین تکوینی و فطرت» (انصاری، ۱۳۷۵، ص. ۱۲۳) و دوم تربیت تشریعی یعنی «پرورش استعدادهای انسانی از طریق تعلیم و تهذیب با اختیار و اراده» (امینی، ۱۳۹۰، ص. ۴۵).

معنای علم: علم در لغت به معنای «إدراک الشیء علی ما هو به» (درک چیزی است آنچنان که هست) است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص. ۵۸۱). در کتاب العین آمده: «العلم: نقیض الجهل» (علم، ضد جهل است) (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج. ۲، ص. ۱۵۳). علم در اصطلاح در هر شعبه علمی تعاریف متعددی ذکر شده است که به آن اشاره می‌شود:

علم در فلسفه: «حصول صورة الشیء فی العقل» (علم، صورت چیزی است که در عقل حاضر می‌شود) (ملاصدرا، ۱۳۸۵، ج. ۳، ص. ۵۲). علامه طباطبایی نوشته است: «العلم حضور غیرمادی للمعلوم نزد عالم» (علم، حضور غیرمادی معلوم نزد عالم است) (طباطبایی، بی‌تا، ج. ۲، ص. ۲۲۴).



علم در اصول: شیخ انصاری علم را اینگونه بیان نموده است: «العلم: قضیه یتیقن بها الواقع» (علم، قضیه‌ای است که به وسیله آن واقعیت را یقین می‌کنیم) (شیخ انصاری، ۱۴۳۷، ج. ۱، ص. ۲۳).

علم در عرفان: امام خمینی (ره) در کتاب خودش اینگونه بیان نموده: «العلم نور یقذفه الله فی قلوب أولیائه» (علم، نوری است که خدا در دل اولیای خود می‌اندازد) (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۶۷).

علم در حدیث: امام صادق (ع) در روایتی فرموده: «العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء» (علم نوری است که خدا در قلب هر کس که بخواهد می‌اندازد) (مجلسی، ۱۳۶۳، ج. ۱، ص. ۲۲۴).

معنای تربیت علمی: وقتی معنای تربیت و علم را بررسی کردیم می‌فهمیم که معنای تربیت علمی می‌شود «پرورش همه‌جانبه انسان با استفاده از دانش و معرفت». این مفهوم در منابع اسلامی (قرآن و سنت) به صورت یک فرآیند هدفمند تعریف می‌شود که تنها به انتقال اطلاعات محدود نمی‌شود، بلکه شکوفایی استعدادهای فکری، اخلاقی و عملی فرد را دنبال می‌کند.

تربیت علمی در متون دینی چون قرآن و حدیث دارای ویژگی‌هایی چون هدفمندی الهی «قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاجِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ وَفَرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ» (سبأ/۴۶)؛ توأم بودن علم با اخلاق «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَابَيْتُمْ بَدِينِ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاصْبِرُوا وَلَا يُكْتَبُ عَلَيْكُمُ الْكَاتِبُ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبُ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رَجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبُ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْمَعُوا أَنْ تُكْتَبُوهَ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى أَجَلِهِ ذَلِكَ أَوَسَطُ عُندَ اللَّهِ وَ أَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يَعْلَمِ اللَّهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره/۲۸۲)؛ کاربردی بودن (آمدی، ۱۳۶۸، حدیث ۱۰۷۴)؛ عقلانیت و نقادی؛ پرورش توان تحلیل، پرسشگری و اجتهاد به جای تقلید کورکورانه «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره/۴۴)؛ استمرار و تداوم (مجلسی، ۱۳۶۳، ج. ۱، ص. ۱۷۷) است. بنابراین تربیت علمی، مفهومی فراتر از آموزش صرف اطلاعات یا مهارت‌ها است. این مفهوم، ترکیبی هدفمند از «تعلیم» (انتقال دانش) و «تربیت» (پرورش اخلاقی و معنوی) است که با هدف ساخت انسان‌های عالم، متعهد و تأثیرگذار در جامعه اسلامی طراحی شده بود.

ب: مفهوم سیره نبوی

سیره نبوی به مجموعه رفتارها، گفتارها و تقریرات (تأییدات) پیامبر اکرم (ص) اطلاق می‌شود که به‌عنوان الگو و سرمشق برای زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان قرار گرفته است. این مفهوم، تنها به وقایع تاریخی محدود نمی‌شود، بلکه سیستم کامل تربیتی، اخلاقی و مدیریتی است که از زندگی پیامبر اکرم (ص) استخراج می‌شود. سیره نبوی از اجزایی چون رفتارهای عملی پیامبر مانند نماز خواندن، روزه گرفتن، دعا کردن، رفتارهای اجتماعی همچون برخورد با دوستان، دشمنان، همسایگان، کودکان و زنان؛ مدیریت جامعه، سبک زندگی

شخصی، و گفتارهای پیامبر اکرم (ص) که شامل همه سخنان، توصیه‌ها، مواظ و احکامی است که ایشان بیان فرمودند. این بخش در کتاب‌های حدیثی ثبت شده است و آخرین قسمت سیره شامل تقریرات پیامبر اکرم (ص) است که این قسمت به مواردی اشاره دارد که رفتار یا گفتار دیگری در حضور پیامبر اکرم (ص) اتفاق افتاد و ایشان آن را تأیید کردند یا سکوت فرمودند که نشان‌دهنده رضایت بود. این بخش، سنت عملی امت را تحت نظارت پیامبر اکرم (ص) نشان می‌دهد.

سیره پیامبر در متون دینی از ویژگی‌هایی همچون الهی بودن «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (النجم/۴-۳)؛ عملی بودن «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (الاحزاب/۲۱)؛ جامعیت و عقلانی بودن برخوردار است به گونه‌ای که این سیره برای همه آحاد بشر به دلیل برخورداری از مقام عصمت قابل پیروی است.

جایگاه علمی زنان در فرهنگ جاهلیت عرب پیش از اسلام

زن قبل از اسلام جایگاه خاصی در خانواده و جامعه نداشت. موجودی بی‌اهمیت و بی‌اختیار که در زندگی فردی خویش نیز نقشی نداشت. قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع)، تصویر تیره وضعیت زنان در عصر جاهلی را ترسیم کرده‌اند. داشتن دختر ننگ و عار بود و برای رهایی، آنان را زنده به گور می‌کردند. قرآن می‌فرماید: «يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» (النحل/۵۹). در این جامعه زنان، نه تنها از ارث محروم بودند، بلکه خود به عنوان مالکیت به ارث برده می‌شدند. امام صادق (ع) در تفسیر آیه «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ...» (النساء/۱۱) به همین نکته اشاره کرده‌اند که در جاهلیت، زنان و کودکان از ارث محروم بودند و تنها مردان جنگجو ارث می‌بردند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۷، ص. ۱۲۷). ازدواج‌های اجباری و ظالمانه از دیگر نشانه‌های زن‌ستیزی به شمار می‌رفت (طبری، ۱۳۸۷، ج. ۸، صص. ۱۳۹-۱۳۳). جاهلیت، زنان را فاقد عقل و تدبیر می‌دانست و آنان را در شمار موجودات پست طبقه‌بندی می‌کردند. امام علی (ع) در توصیف فرهنگ جاهلیت فرمودند: «النَّاسُ فِي جَاهِلِيَّةٍ وَ شَرٌّ مِنَ الْجَاهِلِيَّةِ؛ يَسْتَصْعِرُونَ الْعَقْلَ وَ يَسْتَكْبِرُونَ الْجَهْلَ» (مردم در جاهلیت و بدتر از جاهلیت بودند؛ عقل را خرد می‌شمردند و به جهل تکبر می‌ورزیدند) (مجلسی، ۱۳۶۳، ج. ۱۰۰، ص. ۲۵۰).

زنان ابزاری برای لذت‌جویی یا افزایش قدرت قبیله‌ای استفاده می‌شد. در ذیل آیه «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ...» (النساء/۲۲) آمده است که در جاهلیت، انواع ازدواج‌های فاسد (ازدواج با همسر پدر) رایج بود و زن هیچ حق انتخاب نداشت (عیاشی، ۱۳۸۰، ج. ۲، ص. ۴۵). در چنین جامعه‌ای که زن از حق حیات طبیعی و انسانی محروم بود و برای وی عقل و شعوری قائل نبودند و تنها حیوان برده جنسی مردان تلقی می‌شد، دیگر حیات علمی و آموزش و پرورش او معنا نداشت.

در این دوره که تعداد باسوادان مرد در مکه فقط به ۱۷ نفر می‌رسید، جامعه زنان نباید به همین مقدار هم باسواد داشته باشد. در این دوره زنان اندکی در عرصه شاعری و تجارت فعالیت داشته‌اند. بلاذری در کتاب



خودش تعداد زنان باسواد را پنج شمرده و نام آنان را برده است: حَفْصَه (همسر پیامبر اکرم)، ام کلثوم دختر عَفْبه، عایشه دختر سعد، کریمه دختر مقداد، شفاء دختر عدویه (بالاذری، ۱۹۵۷، ج. ۳، ص. ۵۸۰).

ظهور اسلام و حیات علمی زنان

با ظهور اسلام و پیامبر اکرم (ص) برگ زرینی در زندگی و حیات طبیعی و علمی زنان به وجود آمد. متن دینی مسلمانان که سیره پیامبر بر طبق آن است، همه انسان‌ها اعم از زن و مرد را در کسب فضایل برای حیات معنوی یکسان دانست: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا» (النساء/۱۲۴). این آیه به وضوح تساوی مرد و زن را در کسب پاداش اخروی به شرط ایمان و عمل صالح بیان می‌کند. از آنجایی که «علم» برترین مصداق «عمل صالح» است، این آیه دلیلی محکم بر حق برابر زن در کسب دانش است.

قرآن با صراحت بر حق آموزش و معرفت‌اندوزی برای همه انسان‌ها فارغ از جنس، نژاد، قبیله و رنگ، تأکید می‌کند: «أَفَرَأَىٰ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲) أَفَرَأَىٰ أُفْرَأُ الْكَرْمِ (۳) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (العلق/۵-۱). این آیات که نخستین آیات نازل شده هستند، خطاب به تمام «انسان» است و جنسیت را مقید نکرده است. علامه طباطبایی در المیزان ذیل این آیات، علم‌آموزی را مقدمه تکامل همه انسان‌ها می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج. ۲۰، ص. ۳۲۴). حتی قرآن در برخی آیات خویش بر وجوب تعلم و تعلیم تأکید دارد: «فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (التوبة/۱۲۲). گرچه این آیه خطاب به مردان است، اما فقهای شیعه مانند امام خمینی (ره) در کتاب تحریر الوسیله استدلال کرده‌اند که وجوب تحصیل علم و فقه، کفای است و شامل همه مکلفان، اعم از زن و مرد، می‌شود. اگر گروهی از زنان به این وظیفه عمل نکنند، بر دیگران واجب می‌شود (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۱، ص. ۴۸).

علاوه بر آیات قرآن، روایات نیز به صورت صریح و ضمنی بر ضرورت علم‌آموزی و حیات علمی زنان و مردان تأکید دارند: پیامبر اکرم (ص) طلب علم را فریضه (وظیفه واجب) برای هر مرد و زن مسلمان می‌داند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَىٰ كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۱، ص. ۳۰). علم و عقل را ستایش کرده و جهل را مذمت می‌کنند. امام علی (ع) در حدیثی می‌فرماید: «لَا غِنَىٰ كَالْعَقْلِ، وَ لَا فَقْرٌ كَالْجَهْلِ» (هیچ بی‌نیازی چون عقل، و هیچ فقری چون جهل نیست) (آمدی، ۱۳۶۸، ح ۵۷۵۹). این حکمت، جنسیت‌نما ندارد و خطاب به همه انسان‌هاست و زن را نیز به خردورزی و رهایی از جهل تشویق می‌کند. جمع‌آوری روایاتی در باب‌هایی با عنوان عقل و جهل و یا فضیلت علم در کتب روایی نشان دیگری بر اهمیت علم است.

تأکید اهل بیت بر آموزش دین به خانواده در روایت معصومین نشان دیگری از اهمیت علم‌آموزی و حیات علمی به شمار می‌رود: امام صادق (ع) فرمودند: «أَعْلِمُوا نِسَاءَكُمْ سُورَةَ النُّورِ» (به زنان خود سوره نور را آموزش دهید) (حر عاملی، بی‌تا، ج. ۴، ص. ۸۹۵). این دستور مستقیم، نشان‌دهنده اهتمام ائمه به آموزش‌های دینی حتی در سطح تخصصی (مانند آموزه‌های سوره نور) برای زنان است.

همچنین تربیت زنان عالمه و تأثیرگذار در جامعه همچون فاطمه زهرا (س)، حضرت زینب (س) و بانوان عادی که به عنوان شاگرد در محضر معصومین مانند حسینه، فضه و.... نشان از این اهتمام به شمار می‌رود.

راهبردهای عام تربیت علمی زنان در سیره نبوی

۱. تساوی در حق دسترسی به علم و فضیلت

این تساوی به معنای برابری زن و مرد در فرصت و تکلیف علم‌آموزی است. آیات بسیاری بر تساوی زن و مرد در کسب کمالات و پاداش اخروی تأکید دارند مانند: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (النحل/۹۷). این آیه نشان می‌دهد معیار فضیلت، عمل صالح و ایمان است، نه جنسیت. پیامبر اکرم (ص) به صورت عملی این اصل را اجرا کردند. وی زمان‌های خاصی را در مسجد برای آموزش زنان اختصاص دادند تا آنان نیز همانند مردان بتوانند از محضر ایشان بهره‌مند شوند.

زنان را همانند مردان به یادگیری تشویق می‌کردند. حدیث مشهور «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَىٰ كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج. ۶۷، ص. ۶۸) (طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است) که در منابع شیعی و اهل سنت آمده، گواه این مدعاست و همچنین به سؤالات زنان و مردان یکسان پاسخ می‌دادند. زنانی مانند ام سلمه یا عایشه سؤالات متعددی را از ایشان می‌پرسیدند و پیامبر اکرم (ص) با حوصله و بدون تبعیض به آنان پاسخ می‌دادند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۸، ص. ۲۱۶).

۲. تأمین نیازهای آموزشی و پرورشی

مراد از عدالت رفتار یکسان نیست، عدالت به معنای دادن حق هر صاحب حقی است. پیامبر اکرم (ص) با در نظر گرفتن شرایط و ویژگی‌های زنان، عدالت آموزشی را محقق می‌ساختند. پیامبر اکرم (ص) به دلیل رعایت حریم و عفاف، و نیز برای ایجاد فضایی امن و بدون دغدغه، گاه جداگانه یا مکان‌های جداگانه‌ای برای آموزش زنان در نظر گرفتند. این عمل نه تبعیض، بلکه تنظیم شرایط برای تحقق عدالت واقعی بود تا زنان نیز بتوانند با آرامش خاطر به یادگیری بپردازند. آموزش‌ها به گونه‌ای بود که نیازهای واقعی زنان را پاسخگو باشد. علاوه بر آموزش معارف دینی (قرآن، فقه، حدیث)، به آموزش مهارت‌های ضروری مانند پزشکی و مامایی (به عنوان مثال توسط زنانی مانند فدیّه آسلمیه) و سوادآموزی نیز توجه ویژه‌ای می‌شد. این نشان‌دهنده نگاه عدالت‌محور پیامبر (ص) به تمامی ابعاد زندگی زنان بود (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۴، ج. ۴، ص. ۴۲۶).

۳. ضرورت آگاهی‌بخشی و توانمندسازی

پیامبر اکرم (ص) آموزش را ابزاری برای خروج از جهل، ارتقای کرامت انسانی و توانمندسازی زنان برای نقش‌آفرینی در جامعه می‌دانستند. در فرهنگی که زنان را از دانش محروم می‌کرد، بزرگترین ظلم، جهل بود. پیامبر اکرم (ص) با علم‌آموزی، به مبارزه با این جهل سیستماتیک پرداختند. زن آگاه، می‌توانست مرجعیت فکری پیدا کند، در امور اجتماعی مشاوره دهد و استقلال فکری به دست آورد. نمونه اعلائی آن، حضرت خدیجه (س) بود که تاجری موفق و تصمیم‌گیرنده بود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۵، ص. ۳۴۷). یا حضرت فاطمه



زهر (س) که در مسائل سیاسی و اجتماعی به عنوان یک مرجع علمی و فکری عمل می کرد (طبرسی، ۱۴۰۳، ج. ۱، صص. ۱۴۱-۱۳۴). پیامبر اکرم (ص) با آموزش زنان، آنان را به سوژه های فعال تاریخ تبدیل کردند، نه ابژه های منفعل.

روش های خاص تربیت علمی زنان در سیره نبوی

با بررسی منابع، می توان به وضوح دریافت که پیامبر اکرم (ص) با درایت و حساسیت فوق العاده ای به موضوع آموزش زنان توجه داشته و برای ایجاد فضایی امن و اختصاصی برای تعلیم و تربیت آنان تمهیدات خاصی اندیشیده بود. وی با بهره گیری از روش های متنوع و مستقیم، به آموزش زنان همت می گماردند. این روش ها نشان دهنده توجه ویژه و شخصی ایشان به رشد علمی زنان است. برخی از مهم ترین اقدامات خاص پیامبر پیرامون تربیت علمی زنان عبارت اند از:

۱. اختصاص اوقات و مکان های خاص برای آموزش زنان

پیامبر اکرم (ص) به صورت منظم و برنامه ریزی شده، زمان ها و مکان های ویژه ای را برای آموزش زنان اختصاص می دادند. پیامبر اکرم (ص) یک روز در هفته را به طور خاص به آموزش و پاسخگویی به پرسش های زنان اختصاص داده بودند. این عمل به زنان اطمینان می داد که فرصت و زمانی مخصوص به خودشان دارند تا در کمال آرامش و بدون دغدغه، سؤالات خود را - حتی مسائل بسیار خصوصی - مطرح کنند. در کتاب الکافی آمده: «كَانَتْ لِلنَّبِيِّ (ص) مَجْلِسٌ يَوْمَ الْخَمِيسِ لِلنِّسَاءِ يَأْتِيْنَهُ فِيْهِ فَيُعْطُهُنَّ وَيُعَلِّمُهُنَّ» (برای پیامبر اکرم (ص) مجلسی بود روز پنجشنبه مخصوص زنان. آنان در آن روز نزد ایشان می آمدند و پیامبر آنان را موعظه می کرد و آموزش می داد) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۵، ص. ۵۰۶). این روایت به صراحت بر وجود جلسه ای هفتگی، منظم و اختصاصی برای زنان تأکید دارد. گرچه این روایت، مربوط به دوران امامت است، اما سیره مستمر و روش نبوی را نشان می دهد که در زمان ائمه (ع) نیز تداوم یافته است. این روش، هم آموزش را ممکن می ساخت و هم حرمت ها کاملاً حفظ می شد. این آموزش ها با رعایت کامل حریم و از پشت پرده انجام می شد.

در این حلقه های آموزش، زنان می توانستند سؤالات و شبهات خصوصی و اختصاصی خویش را مستقیماً از پیامبر اکرم (ص) بپرسند و ایشان با حوصله و بدون طفره رفتن به آنان پاسخ می دادند. نمونه ای از این پرسش و پاسخ های مستقیم، پاسخ پیامبر اکرم (ص) به ام سلمه درباره مسائل مربوط به غسل جنابت زنان است. ایشان به طور کامل و بدون خجالت، احکام را برای وی توضیح دادند (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج. ۱، ص. ۷۹). این مورد نشان دهنده ایجاد فضای امن و بی قید و شرط برای پرسشگری زنان است. پیامبر به شبهات علمی زنان پاسخ هایی با استدلال عقلی و منطقی پاسخ می دادند و آنان را به تفکر و تحلیل عقلانی عادت می دادند. هنگامی که زنی درباره حقوق زنان در قرآن سؤال کرد، پیامبر اکرم (ص) با استناد به آیات، حقوق متقابل زن و مرد را برای او تبیین کردند (طبرسی، ۱۴۰۳، ج. ۱، ص. ۲۸۴). این روش، توانایی تحلیل متون دینی را در زنان تقویت می کرد.

پیامبر اکرم (ص) همچنین به‌طور خاص به آموزش مسائل ویژه زنان مانند آموزش احکام حیض، نفاس و استحاضه می‌پرداختند که منابع نقل کرده‌اند پیامبر اکرم (ص) احکام مربوط به استحاضه را مستقیماً به ام سلمه آموزش دادند و فرمودند تا آن را به دیگر زنان بیاموزد (حر عاملی، بی‌تا، ج. ۲، ص. ۵۵۰). این مورد، نشان‌دهنده دقت نظر پیامبر اکرم (ص) در آموزش دقیق‌ترین مسائل فقهی به صورت مستقیم به زنان است. این محتوای آموزشی تنها به مسائل عبادی محدود نبود، بلکه طیف وسیعی از علوم ضروری برای زندگی فردی و اجتماعی را در بر می‌گرفت. این آموزش‌ها، پایه و اساس تربیت اسلامی زنان را تشکیل می‌داد. آموزش قرآن، فقه، حدیث، آموزش سوادآموزی (خواندن و نوشتن) از جمله آموزش‌هایی است که به زنان آموزش می‌دادند. پیامبر اکرم (ص) به سوادآموزی به‌عنوان یک مهارت پایه اهمیت زیادی می‌دادند و زنان را به یادگیری آن تشویق می‌کردند. نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) به شفاء، یکی از زنان صحابی، که در خواندن و نوشتن مهارت داشت، دستور دادند تا به حضرت حفصه (همسر ایشان) نوشتن بیاموزد (مجلسی، ۱۳۶۳، ج. ۱۶، ص. ۲۲۸). این روایت به وضوح نشان‌دهنده تأکید مستقیم پیامبر اکرم (ص) بر سوادآموزی زنان و استفاده از ظرفیت خود زنان برای آموزش این مهارت است.

همچنین آموزش پزشکی و پرستاری، کمک‌های اولیه، از جمله برنامه‌های آموزشی پیامبر اکرم (ص) بود. رفیده الاسلامیه زنی بود که خیمه‌ای برای مداوای مجروحان و بیماران در نزدیکی مسجد النبی برپا کرده بود و پیامبر اکرم (ص) او را تشویق می‌کردند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۴، ج. ۴، ص. ۴۲۶). از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمودند: «تداووا فان الله لم ينزل داء الا و انزل له دواء» (درمان کنید، چرا که خداوند هیچ بیماری را نازل نکرده مگر اینکه درمان آن را نیز نازل کرده است) (راوندی، ۱۳۶۶، ص. ۱۲۳). این دستور عمومی، زنان را نیز به کسب دانش پزشکی ترغیب می‌کرد.

آموزش مسائل اخلاقی و تربیتی در مرحله بعدی آموزش‌های پیامبر است. پیامبر اکرم (ص) در موعظه‌ها و سخنرانی‌های خود برای زنان، بر مسائل اخلاقی، حقوق خانوادگی، تربیت فرزند و مدیریت خانه تأکید ویژه‌ای داشتند. پیامبر اکرم (ص) در خطابه‌ای خطاب به زنان فرمودند: «ای زنان! بر شما باد به استغفار و کثرت توبه، چرا که من دیدم که شما بیشتر اهل آتشید». سپس زنی علت را پرسید و پیامبر اکرم (ص) به توضیح مواردی مانند ناسپاسی نسبت به همسر و آزار همسایه پرداختند (شیخ صدوق، ۱۳۷۷، ص. ۱۸۰). این گونه آموزش‌ها، بر تقویت بنیان خانواده و مسئولیت‌پذیری اجتماعی زنان متمرکز بود.

۲. تشویق به آموزش زنجیره آموزشی

پیامبر اکرم (ص) زنانی را که نزد ایشان یا اصحاب آموزش دیده بودند، تشویق می‌کردند که دانش خود را به دیگر زنان بیاموزند و آنان را به یادگیری و نیز آموزش به دیگران تشویق می‌کردند. به‌عنوان مثال، دستور دادند تا زنان باسواد، خواندن و نوشتن را به دیگر زنان بیاموزند. این امر خود منجر به ایجاد شبکه‌های آموزشی غیر متمرکز و امن در داخل خانه‌ها و میان زنان شد. این امر منجر به ایجاد یک شبکه آموزشی غیرمتمرکز و زن‌محور در جامعه شد. از امام صادق (ع) نقل شده که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «بلغوا عنا و لو آية» (از جانب ما [احادیث



و معارف] را نقل کنید، گرچه یک آیه (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۵، ص. ۳۳۶). این فرمان عمومی، شامل زنان آموزش دیده نیز می‌شد و به آنان مشروعیت می‌بخشید تا در نقش مبلغ و معلم برای دیگر زنان عمل کنند. پیامبر اکرم (ص) همچنین از همسران خود - که در نزدیکی کامل با ایشان بودند و از سطح دانش بالاتری برخوردار می‌شدند - به عنوان مربی و معلم برای دیگر زنان استفاده می‌کردند. شفاء بنت عبدالله بن عدویه و اسماء بنت یزید از جمله کسانی بودند که پس از فراگیری معارف از پیامبر اکرم (ص)، به آموزش دیگر زنان می‌پرداختند. با این عمل، ایشان فضایی کاملاً زنانه، صمیمی و بدون اضطراب بین زنان ایجاد می‌کردند، امکان مطرح کردن سؤالات خصوصی و ویژه زنان بدون هیچ مانع فرهنگی یا شرعی را فراهم می‌کردند و ظرفیت آموزشی جامعه نوپای اسلامی را افزایش دادند (مجلسی، ۱۳۶۳، ج. ۱۶، ص. ۲۲۸).

۳. آموزش از طریق خطابه و موعظه

پیامبر اکرم (ص) در جمع‌های عمومی که زنان نیز حاضر بودند، به سخنرانی و موعظه می‌پرداختند و مضامین علمی و اخلاقی را مستقیماً به همگان، از جمله زنان، آموزش می‌دادند. در کتاب امالی شیخ صدوق (ره) آمده است که پیامبر اکرم (ص) پس از نماز عیدین، به طور جداگانه به سوی زنان می‌رفتند و برای آنان موعظه و سخنرانی می‌کردند. این عمل نشان‌دهنده توجه خاص و مستقیم ایشان به آموزش زنان، حتی پس از پایان مراسم عمومی است (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص. ۴۶۲).

۴. استفاده از ظرفیت اصحاب برای آموزش زنان

پیامبر اکرم (ص) علاوه بر آموزش مستقیم، از ظرفیت علمی و اخلاقی اصحاب ویژه و مورد اعتماد خود برای آموزش زنان بهره می‌بردند. این اقدام، نشان‌دهنده نگاه جامع و نظام‌مند ایشان به مقوله آموزش و استفاده بهینه از تمامی منابع انسانی موجود بود. پیامبر اکرم (ص) افرادی که دارای تقوا و امانتداری بودند، برای آموزش زنان انتخاب می‌کردند. این آموزش‌ها با رعایت کامل حریم از پشت پرده یا در فضایی با فاصله مناسب انجام می‌گرفت. روایتی که قبلاً بیان شد از امام صادق (ع) دلیل بر این امر است.

۵. پرورش زنان به عنوان مراجع علمی

پیامبر اکرم (ص) زنان را به سمتی سوق می‌دادند که نه تنها مصرف‌کننده علم، که تولیدکننده و انتقال‌دهنده علم باشند. ام سلمه پس از آموزش‌های مستقیم پیامبر اکرم (ص)، به مرجع پاسخگویی به سؤالات شرعی زنان تبدیل شد. پیامبر اکرم (ص) این نقش‌آفرینی را تأیید و تقویت می‌کردند (ابن حیون، ۱۳۶۸، ج. ۳، ص. ۴۴). این اقدام، نمونه‌ای از پرورش متخصصان زن در حوزه فقه بود. حضرت فاطمه زهرا (س) به عنوان نخستین مرجع فقهی پس از پیامبر اکرم (ص) شناخته می‌شدند. ایشان در مسائل اختلافی، مانند ارث بردن زن از اموال شوهر، با استناد به قرآن، استدلال فقهی ارائه می‌دادند و مردان را مجاب می‌کردند (شیخ طوسی، ۱۳۶۳، ج. ۱، ص. ۱۵۷). این نقش‌آفرینی، نتیجه مستقیم آموزش‌های تحلیلی و تشویق به تولید علم توسط پیامبر اکرم (ص) بود.

۱-۵. شخصیت‌های علمی زن در عصر پیامبر (ص)

حضرت خدیجه (س) الگو: خدیجه (س) پیش از ازدواج با پیامبر اکرم (ص)، بزرگترین تاجر زن در حجاز بود که کاروان‌های تجاری بزرگی را به شام و یمن اعزام می‌کرد. خدیجه (س) از ثروتمندترین افراد قریش بود و اموال زیادی را در اختیار داشت (امین، ۱۳۶۲، ج. ۴، ص. ۲۲). حضرت خدیجه بنت خویلد (س) نه تنها به‌عنوان اولین همسر پیامبر اکرم (ص) که به‌عنوان الگویی کامل از زن مدیر، تاجر، عالمه و پشتیبان مالی و معنوی اسلام در منابع شیعی مورد تمجید قرار گرفته‌اند. ایشان نمونه‌ای درخشان از توانمندی‌های چند بعدی زن مسلمان هستند. ایشان با استخدام پیامبر اکرم (ص) به دلیل امانتداری و راستگویی ایشان، هوشمندی در انتخاب نیرو و مدیریت منابع انسانی را نشان دادند.

حضرت فاطمه زهرا (س) عالمه بی‌همتا و معارف‌پرور: حضرت فاطمه زهرا (س) نه تنها به‌عنوان دختر پیامبر اکرم (ص)، که به‌عنوان بانوی علم و حکمت و استوانه‌ای بی‌بدیل در معارف اسلامی معرفی شده‌اند. مقام علمی ایشان به حدی است که به‌عنوان یکی از چهارده معصوم، گفتار و رفتارشان حجت شرعی محسوب می‌شود. امام صادق (ع) می‌فرماید: فاطمه محدثه بود؛ فرشتگان با او سخن می‌گفتند و او را از آینده امت آگاه می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۱، ص. ۴۵۸). این روایت نشان می‌دهد منبع علم ایشان تنها آموزش معمولی نبود، بلکه اتصال مستقیم به عالم غیب داشتند.

حضرت ام‌سلمه راوی حدیث و مشاور پیامبر اکرم (ص): حضرت ام‌سلمه (هند بنت ابی امیه) از برجسته‌ترین زنان صحابی پیامبر اکرم (ص) است که به‌عنوان بانوی خردمند، راوی برجسته حدیث و مشاور مورد اعتماد برای پیامبر اکرم (ص) مورد تمجید قرار گرفته است. نقش‌های چند بعدی او نشان‌دهنده جایگاه رفیع زن در نظام اجتماعی و علمی صدر اسلام است. ام‌سلمه از مهم‌ترین راویان احادیث نبوی در منابع شیعه و اهل سنت است. او احادیث بسیاری را به‌طور مستقیم از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده است. در رجال کشی وثاقت او در نقل حدیث تأکید شده است (کشی، ۱۳۸۲، ج. ۱، ص. ۳۶۵). در وسائل الشیعه آمده ام‌سلمه مسائل پیچیده فقهی را برای زنان تبیین می‌کرد (حر عاملی، بی‌تا، ج. ۲۰، ص. ۲۳۰). علاوه بر بانوان بزرگواری مانند حضرت خدیجه (س)، حضرت فاطمه زهرا (س) و ام‌سلمه، زنان فرهیخته و دانشمند دیگری نیز در عصر پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) حضور داشتند که نقش‌های مهمی در انتقال علوم، آموزش و حتی صحنه‌های سیاسی و اجتماعی ایفا کردند. مانند اُمّ عَطِیَّه انصاریه (نسبیه بنت حارث) که او پرستار بود و در غزوه خیبر مجروحان را مداوا می‌کرد (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲، ج. ۴، ص. ۲۵۰). نُسَیْبَه بنت کَعْب (ام‌عمار) که این زن محدثه بود (ابن‌حیون، ۱۳۶۸، ج. ۲، ص. ۳۸۴). غیر از این خیلی موارد است که در این تحقیق مختصر نمی‌گنجد.

حضرت ام‌جمیل: فاطمه دختر مجلل بن عبدالله بن قیس، از فضلا و ادبای زنان و از سابقین به دین مقدس اسلام بود. او با حاطب بن حارث بن مغیره ازدواج کرد و دو پسر به نام‌های محمد و حارث از وی به وجود آمد. ایشان با شوهرش به حبشه رفته و بعد از مرگ شوهر با پسرهایش به مدینه برگشته است. او برای



بهبودی پسرش محمد که به آتش سوخته بود، شرفیاب حضور مبارک پیامبر اکرم (ص) گردید و تقاضای دعای خیر کرد و در اثر دعای آن حضرت پسرش شفا یافت (سیوطی، ۱۴۱۴، ج. ۳، ص. ۳۶۶).

حضرت ام رعله قشیریه: وی از زنان صحابی و عالم و شاعر و بسیار فصیح بود و از پیامبر اکرم (ص) روایت نقل کرده است. روزی به خدمت پیامبر اکرم (ص) رسید و عرض کرد: «السلام علیک یا رسول الله و رحمة الله و برکاته انا ذوات الخدور و محل از البعول و مریبات الاولاد و ممهداث المهاد و لاحظ لنا فی الجیش الاعظم فعلمناشینا یقربنا الی الله عزوجل». پیامبر اکرم (ص) در جواب او فرمود: اگر شما زنان از ذکر خدا غافل نباشید و چشم خود را از نامحرم ببندید و به گونه‌ای صحبت نکنید که مرد اجنبی بشنود، شما مأجور و مثاب خواهید بود (ابن اثیر، ۱۹۷۰، ج. ۵، ص. ۵۸۴). ام رعله بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص)، حسنین علیهما السلام را در برگرفته و کوچه‌های مدینه را گردیده و اشک می‌ریخته است و چون به در خانه فاطمه علیها السلام رسید این بیت را انشا کرد: «یادار فاطمه المعمحور ساحتها هیجت لی حزنا حییت من دار» (تبریزی، ۱۳۷۴، ج. ۸، ص. ۳۰۵).

حضرت نسبه بنت الحارث ام عطیه: ایشان از زنان فاضله صحابی پیامبر اکرم (ص) شمرده می‌شد که در بیعت رضوان و جنگ‌های پیامبر (ص) شرکت داشته و مجروحین را مداوا می‌کرد. جمعی از صحابه و علمای تابعین در بصره «غسل میت» را از او گرفتند و از پیامبر اکرم (ص) روایت نقل کرده است (ابن اثیر، ۱۹۷۰، ج. ۵، ص. ۵۵۴).

حضرت معاذه غفاریه: از زنان فاضل و عالم عصر خود و انیس رسول خدا در سفرها بود. وی می‌گوید: من با رسول خدا (ص) انس بسیاری داشتم -یعنی به خانه‌اش رفت و آمد می‌کردم- چون در سفرها برای مداوای زخمیان و پرستاری بیماران با وی می‌رفتم. روزی داخل خانه عایشه شدم، دیدم علی (ع) بیرون می‌آید و رسول خدا در غیاب علی (ع) به عایشه می‌گوید: «ان هذا احب الرجال الی و اکرمهم علی فاعرفی له حقه و اکرمی مثواه». این مرد، محبوب‌ترین و گرامی‌ترین مردان است نزد من. حق او را بشناس و احترامش را داشته باش (ابن اثیر، ۱۹۷۰، ج. ۵، ص. ۵۴۷).

حضرت ام حکیم بیضا: ام حکیم بیضا دختر عبدالمطلب و عمه رسول اکرم (ص). او از زنان فاضله و خردمند بنی‌هاشم و ادیب و فصیح و بلیغ بود و به هر یک از «بیضا» و «قبة الدیاج» موصوف و ملقب و در نظم شعر نیز طبعی وقاد داشته است، حسب الامر پدر در حال حیاتش مرثیه‌ای برای او گفته که از ابیات آن است: «الا یا عین جودی و استهلی و بکی ذا الندی والمکرمات الا یا عین و یحک اسعدینی بدمع من دموع هاطلات» (سیوطی، ۱۴۱۴، ج. ۳، ص. ۵۵).

حضرت ام الدرداء: خیره دختر ابو حدرد اسلمیه و زن ابوالدرداء عامر بن حارث از فضلا و محدثین زنان صحابی بوده که احادیث بسیاری از رسول اکرم (ص) و شوهرش استماع و روایت کرده است (تبریزی، ۱۳۷۴، ج. ۸، ص. ۳۰۴).

حضرت اسماء بنت عمیس: خواهر میمونه همسر رسول خدا (ص). او از زنان فاضل و بزرگوار روزگار خویش و از اولین گروندگان به اسلام بود که همراه همسرش جعفر طیار، برای پیشبرد اسلام به حبشه مهاجرت کرد و در سال فتح خیبر در سال هشتم به مدینه بازگشت. او پس از شهادت جعفر، در سال هشتم با ابوبکر ازدواج کرد. اسماء، این صحابی جلیل القدر و راوی موثق رسول اکرم (ص) مادر محمد بن ابی بکر است که درباره او گفته‌اند: نجابت محمد بن ابی بکر از جانب مادرش بود (آیة‌الله خویی، ۱۳۷۲، ج. ۱۴، ص. ۲۳۰). اسماء از راویان حدیث غدیر است. قریب سی تن از بزرگان حدیث شیعه و سنی از اسماء روایت نقل کرده و او را توثیق کرده‌اند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۴، ج. ۱۲، ص. ۳۸۹).

حضرت ام سنان: او دختر چشمه یا خيثمة و از شعرا و فضایی عرب و موصوف به حسن ادب است و در نظم و نثر مهارت داشت. لطافت معانی را با فصاحت الفاظ توأم می‌داشت، اشعار او، که در مدح اهل بیت طهارت علیهم السلام سروده و قبیلۀ خود «بنی مذحج» را به نصرت و یاری ایشان ترغیب نموده برهان قاطع این مدعاست (تبریزی، ۱۳۷۴، ج. ۸، ص. ۳۰۸).

اینها نمونه‌هایی بودند از زنان صحابه که در زمان پیامبر اکرم (ص) به فضل و دانش معروف بودند. طبق گزارش‌های مورخان بسیاری از زنان در عصر پیامبر (ص) در کهنوت سواد آموختند. به برکت تعالیم اسلام و دستور پیامبر خیراندیش اسلام بود که زنان همدوش مردان به دانش‌آموزی روی آوردند. این کار، با توجه به شرایط دشوار و ناسازگاری که آن زمان فراروی زنان قرار داشت به راستی یک انقلاب بود، روش نوین پیامبر اکرم (ص) در آموزش زنان و یکسان شمردن آنان با مردان یک انقلاب عظیم فرهنگی بود که جهان اسلام را فرا گرفت و فضا را عطرآگین ساخت.

نتیجه‌گیری

بازخوانی سیره نبوی به عنوان یک «الگوی عملگرا» در عرصه تربیت علمی زنان، نشان می‌دهد که پیامبر اکرم (ص) با درکی عمیق و پیشرو، نه تنها به احیای حقوق از دست‌رفته زن همت گماردند، که با طراحی یک «نظام آموزشی منسجم و چند بعدی»، تحولی ژرف در جایگاه اجتماعی و معرفتی آنان پدید آوردند. این پژوهش به وضوح نشان می‌دهد که استراتژی پیامبر اکرم (ص) فراتر از صدور فرمان‌های کلی بود و با به کارگیری راهبردهای عینی و خلاقانه، زمینه را برای شکوفایی استعدادهای زنان فراهم کرد.

مهم‌ترین مؤلفه‌های این نظام تربیتی را می‌توان در «عدالت آموزشی تام» (تساوی در حق دسترسی به علم)، «تنوع بخشی به روش‌ها» (از اختصاص جلسات هفتگی و ایجاد حلقه‌های آموزشی امن تا استفاده از ظرفیت اصحاب و خطابه‌های عمومی)، و «تأمین محتوای کاربردی» (از سواد پایه و فقه تا پزشکی و اخلاق) خلاصه کرد. تأکید بر «پرسشگری» و «تفکر نقاد» به جای تقلید، و همچنین تشویق به ایجاد «زنجیره آموزشی» میان خود زنان، از دیگر نوآوری‌های این سیره بود که به توانمندسازی واقعی و نقش‌آفرینی فعال آنان در شکل‌دهی به میراث علمی تمدن اسلامی انجامید.



پرورش چهره‌های درخشان و عالمه‌ای همچون حضرت فاطمه زهرا (س) به‌عنوان یک مرجع علمی بی‌بدیل، و نیز شخصیت‌هایی مانند ام‌سلمه، ام‌عطیه و حفصه که هر یک در عرصه‌ای تخصص یافتند، گواه عینی موفقیت این الگو است. بنابراین، سیره تربیتی پیامبر اکرم (ص) در حوزه زنان، تنها یک اقدام اصلاحی در محدوده زمان و مکان خاص خود نبود، بلکه «بیانیه‌ای زنده و الگویی ماندگار» برای همه جوامع بشری است که نشان می‌دهد چگونه می‌توان با باور به ظرفیت برابر عقلی و علمی زن و مرد، و با طراحی سازوکارهای عملی عادلانه و هوشمند، مسیر تحقق «عدالت معرفتی» و «توسعه پایدار انسانی» را هموار کرد. این تجربه تاریخی پاسخی روشن به شبهات درباره جایگاه زن در اسلام و نقشه‌ای راهبردی برای سیاست‌گذاران عرصه آموزش و پرورش در جهان معاصر است.

منابع

- قرآن کریم. (ترجمه ناصر مکارم شیرازی).
- ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۹۷۰). أسد الغابة فی معرفة الصحابة (ج. ۵). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲). خصال. تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲). من لایحضره الفقیه (ج. ۱). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۶). امالی. تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۷). امالی (نسخه دیگر). تهران: کتابچی.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۳۷۴). الإصابة فی تمییز الصحابة. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن حیون، نعمان بن محمد. (۱۳۶۸). شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار (ج. ۲ و ۳). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله. (۱۴۱۲). الاستیعاب فی معرفة الأصحاب. بیروت: دار الجیل.
- امام خمینی، روح الله موسوی. (۱۳۷۸). آداب الصلاه. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی (س).
- امام خمینی، روح الله موسوی. (۱۳۹۲). تحریر الوسیله (ج. ۱). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی (س).
- امین، سید محسن. (۱۳۶۲). اعیان الشیعه (ج. ۴). بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- امینی، ابراهیم. (۱۳۹۰). تربیت تشریعی (مبانی، اصول و روش ها). قم: انتشارات بوستان کتاب.
- انصاری، علی اصغر احمدی. (۱۳۷۵). تربیت در اسلام. قم: انتشارات انصاریان.
- بالذری، احمد بن یحیی. (۱۹۵۷). فتوح البلدان. قاهره: مطبعة لجنة البیان العربی، مكتبة النهضة المصرية.
- تبریزی، محمدعلی مدرس. (۱۳۷۴). ریحانة الادب (ج. ۸). تبریز: انتشارات خیام.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۸). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دار الکتاب الإسلامی.
- حر عاملی، محمد بن الحسن. (بی تا). وسایل الشیعه (ج. ۲، ۳ و ۴). قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- خویی، سید ابوالقاسم. (۱۳۷۲). معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة (ج. ۱۴). بی جا: بی نا.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. دمشق/بیروت: دارالعلم الدار الشامیة.
- راوندی، سعید بن عبدالله. (۱۳۶۶). الدعوات (سلوة الحزین المعروف بالدعوات). قم: مدرسة الامام المهدي (عج).
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۱۲). تفسیر الدر المنثور فی التفسیر المأثور (ج. ۳). بیروت: دار الفکر.
- شریعتی، علی. (بی تا). فلسفه تعلیم و تربیت. بی جا: بی نا.
- شیخ انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۳۷). فرائد الاصول (ج. ۱). قم: ذوی القربی.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن (ج. ۲۰). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (بی تا). اصول فلسفه و روش رئالیسم (ج. ۲). تهران: انتشارات صدرا.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳). الاحتجاج (ج. ۱). مشهد: المرتضی.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۸۷). جامع البیان فی تفسیر القرآن (ج. ۸). بیروت: دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۳). الاستبصار (ج. ۱). تهران: دار الکتب الإسلامیة.



- عباشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی (ج. ۲). تهران: المطبعة العلمية.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰). کتاب العین (ج. ۲). قم: انتشارات هجرت.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳). تفسیر قمی. قم: دار الكتاب.
- کشی، محمد بن عمر. (۱۳۸۲/۱۴۰۹ق). رجال کشی (ج. ۱). مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج. ۱، ۵، ۷ و ۸). تهران: دار الکتب الإسلامية.
- متقی هندی، علی بن حسام‌الدین. (بی‌تا). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بیروت: موسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۳). بحار الانوار (ج. ۱، ۱۶، ۶۷ و ۱۰۰). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۵). اسفار اربعه (ج. ۳). قم: مکتبه المصطفوی.